

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

کلام مرحوم بروجردی (ره) در نقد کلام مرحوم اصفهانی (ره)

مرحوم آقای بروجردی (ره) در این مسئله به مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی (ره) اشکال وارد نموده و می‌فرماید: مرحوم اصفهانی (ره) در کفایت قصد اجمالی نظر مرحوم سید (ره) را نپذیرفته‌است اما در مسئله عدم علم و حتی علم به خلاف نسبت به انتهای ماه که ده روز است یا خیر، با مرحوم سید (ره) موافقت نموده‌است؛ در حالی که بین این دو مسئله فرقی وجود ندارد.

توضیح مطلب این که مرحوم آقای بروجردی (ره) می‌فرماید: بین این دو مسئله از لحاظ ملاک و مبنا اتحاد وجود دارد؛ چون ملاک در قصد اقامه عشرة ایام یا عنوان آن است که در هیچ کدام موجود نیست؛ به این بیان که در مسئله اول زوجه می‌گوید: قصد من همان قصد زوجم است و در مثال دوم هم مقیم می‌گوید من قصد اقامه تا انتهای ماه را دارم پس در هیچ کدام عنوان قصد نشده‌است.

یا ملاک واقع عشرة ایام و به تعبیر مرحوم آقای بروجردی (ره) مصداقی برای این عنوان به حمل شایع است که هر دو مسئله در آن مشترک می‌باشند و در هر دو قصد اقامه محقق شده‌است. این اشکال تقریباً شبیه اشکالی که ما به کلام مرحوم آقای خوئی (ره) داشتیم.

مرحوم آقای بروجردی (ره) در ادامه می‌فرماید: شاید بتوان به نحوی میان دو مسئله تفکیک نموده و کلام مرحوم اصفهانی (ره) را توجیه نمود.

توضیح مطلب این که در مورد مسئله اقامت تا انتهای ماه می‌گوئیم مفهوم اقامه عشرة ایام مفهومی کلی و دارای مصادیقی متعدد است و اقامه تا آخر ماه ذاتاً مصداق برای عشرة ایام می‌باشد و شخصی که چنین قصدی دارد گویا در حقیقت مصداق ذاتی عنوان عشرة ایام را قصد نموده‌است.

اما در مورد مسئله تبعیت زوجه از زوج، قصد زوجه مصداق ذاتی برای عشرة ایام نیست بلکه حدی خارج از زمان و مربوط به قصد زوج است و در حقیقت زوجه قصد متابعت از همسر را دارد.^[1]

بررسی کلام مرحوم بروجردی (ره)

چنین به نظر می‌رسد فرقی که مرحوم آقای بروجردی (ره) میان دو مسئله ذکر نمودند تا کلام مرحوم اصفهانی (ره) قابل توجیه شود صحیح نیست؛ به این جهت که اگر از روایات عنوان عشرة ایام را استفاده نمودیم، در هر دو مسئله این قصد محقق

نشده است. اما اگر از روایات واقع عشرة ایام را استفاده نمودیم در هر دو مسئله این مسئله محقق است.

به بیان دیگر مصداق بالذات بودن یا نبودن برای عنوان عشرة ایام دخلی در بحث ندارد و نمی تواند فارق دو مسئله قرار بگیرد؛ چون تبعیت زوجه هر چند به قول ایشان مصداق عشرة ایام نیست اما منطبق بر آن شده است.

علاوه بر این در قصد اقامه و قصد مسافت چه فرقی وجود دارد که قصد اجمالی در مسافت قابل پذیرش است اما قصد اجمالی در اقامه را نمی توان پذیرفت؟

بله مرحوم سید (ره) در هر دو مسئله می فرماید: قصد اجمالی کافی است. اما بزرگانی مانند مرحوم آقای خوئی (ره) و مرحوم آقای حکیم (ره) که در قصد مسافت قصد اجمالی را کافی می دانند اما در قصد اقامه قصد اجمالی را کافی نمی دانند چه دلیلی دارند؟!

مرحوم آقای بروجردی (ره) می فرماید: برای مسئله قصد مسافت می توان با توجه به دو مسئله محل بحث، دو مثال ذکر نمود:

مثال اول: تبعیت زوجه: زوجه می گوید هر مقدار مسافت که زوج برود من نیز همراه او خواهم رفت. بزرگانی مانند مرحوم آقای خوئی (ره)، مرحوم آقای حکیم (ره)، مرحوم امام (ره) و مرحوم والد ما (ره) می فرمایند: همین مقدار یعنی قصد اجمالی کافی است؛ در نتیجه اگر زوج واقعاً به اندازه قصد مسافت برود، قصد زوجه نیز محقق می شود.

مثال دوم: چهل به انتهای ماه: شخصی از شهری به شهر دیگر می رود اما نمی داند فاصله این دو شهر چه مقدار است. همه می فرمایند: اگر به اندازه هشت فرسخ باشد ولو این فرد نمی دانسته چقدر است، کفایت کرده و نمازش شکسته است.

ایشان در ادامه می فرماید: به نظر ما معیار قصد عنوان عشرة ایام است. شاهد ما تعبیر موجود در روایات است که می فرماید: «إذا دخلت أرضاً فأيقنت أن لك بها مقام عشرة أيام.» پس معلوم می شود برای شارع عنوان یقین به اقامه عشرة ایام موضوعیت دارد.

طبق این بیان در هر دو مسئله عنوان عشرة ایام محقق نشده است؛ چون در مسئله تبعیت زوجه، زوجه قصد اقامه عشرة ایام را ندارد بلکه قصد او تبعیت از زوج است که تبعیت از زوج اتفاقاً با اقامت ده روز مصادف شده است.

در مسئله اقامت تا انتهای ماه نیز چون یقین به اقامت ده روز وجود ندارد لذا عنوان عشرة ایام بالذات موجود نیست لذا این مقدار کافی نیست. البته مرحوم آقای بروجردی (ره) در حاشیه عروه و در جایی که مرحوم سید (ره) می فرماید: «کفی»، می فرماید: «عدم الکفاية مع عدم العلم لا يخلو من قوة»^[2]

جمع بندی و بیان نظریه مختار در مسئله

به نظر ما از روایات لزوم یقین به اقامه عشرة ایام استفاده می شود. اما این نکته وجود دارد که عنوان مذکور باید در عالم خارج نیز محقق شود؛ یعنی اگر نمی داند مدت اقامه ده روز است یا علم به خلاف دارد که این مقدار ده روز نیست، عنوان عشرة ایام قصد نشده است.

مرحوم آقای خوئی (ره) در مسئله چهل به انتهای ماه نظر مرحوم سید (ره) را پذیرفته و می فرماید: این شخص هر چند قصد

عنوان عشرة ايام را ندارد اما واقع عشرة ايام را قصد نموده است.

اما به نظر ما قصد عنوان لازم است و كفايت واقع مدعايى بدون دليل مى باشد؛ چون در روايات مسئله يقين مطرح شده است و در آنها واقع معيار قرار نگرفته است.

بله اگر عنوان از ابتدا توسط مكلف قصد شده باشد و با واقع هم منطبق شود، بحث را مى توان روى واقع مطرح نمود.

مرحوم آقاى خوئى (ره) در مورد اين مسئله كه شخص نيت اقامت دارد اما معلوم نيست ماه سى روزه يا بيست نه روز است كه مقدار قصد او نه يا ده روز شود مى فرمايد: اين شخص بايد نماز را قصر بخواند و ايشان ميان اين صورت و صورت قبل فرق قائل هستند.^[3]

به نظر ما دليلى بر فرق وجود ندارد چون اگر واقع عشرة ايام ملاك باشد در فرض دوم هم موجود است. به چه دليل بگوئيم تنها در اين صورت بايد واقع را كنار گذاشت؟! اگر قرار است واقع معيار باشد بايد در همه جا معيار قرار بگيرد.

به نظر ما مختار مرحوم امام خمينى (ره) كه در هر دو مسئله - تبعيت زوجه، عدم علم به انتهاى ماه - قائل به عدم كفايت شده اند صحيح مى باشد و البته مسئله احتياط هم طبعاً مطرح خواهد شد.

در اين مسئله مرحوم آقاى حكيم (ره) نيز تفصيلى دارد كه تفصيل مرحوم آقاى خوئى (ره) متخذ از ايشان مى باشد.

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

[1] □ و استشكل بعض المحشين في المسألة الأولى دون الثانية، مع أنّ الظاهر اتحادهما بحسب المبنى و الملاك، إذ الاعتبار في قصد الإقامة إن كان بقصد العنوان لزم الحكم بعدم تحقق قصد الإقامة في كليتهما، و إن كان بقصد ما هو مصداق لهذا العنوان بالحمل الشائع و إن لم يعلم بانطباقه عليه لزم الحكم بالتحقيق فيهما. و كيف كان فالتفكيك بين المسألتين بلا وجه. اللهم إلا أن يفرّق بين المسألتين بأن متعلق القصد في الثانية عبارة عما هو مصداق بالذات إقامة العشرة، إذا الفرض تعلقه بالإقامة في زمان محدود و الفرض كونه عشرة أيّام في الواقع. و بعبارة أخرى: يكون المتعلق للقصد محدودا بالحدود الزمانية و المفروض كون الزمان عشرة في الواقع فيحصل القاطع، و هذا بخلاف المسألة الأولى، فإن القصد فيها لم يتعلق بالإقامة في زمان محدود معين بالحدود الزمانية، بل التحديد فيه بحدود خارجة من حقيقة الزمان كإقامة الزوج و السيّد و الرفقة و نحوها، فالقصد كأنه تعلق أوّلا و بالذات بتبعية الزوج و السيّد و نحوهما لا بالإقامة في مقدار من الزمان، فتدبّر. و نظير هاتين المسألتين يتصور في باب قصد المسافة أيضا، فنظير المسألة الأولى ما إذا قصدت الزوجة مثلا متابعة زوجة في طيّ كلّ ما قصده من المسافة مع كونها جاهلة بما قصدها. و نظير المسألة الثانية ما إذا قصد المسافر المسافة المعينة الواقعة بين بلده و البلد الكذائي مع كونه جاهلا بمقدارها. و كلا البابين من واد واحد فما قيل في هذا الباب يجب أن يقال في ذلك الباب. هذا. و لكن المترائي من أخبار الباب أن المعتبر تعلق القصد و اليقين بعنوان إقامة العشرة، كما هو الظاهر من قوله في رواية زرارة: «إذا دخلت أرضا فأيقنت أن لك بها مقام عشرة أيام.» و قصد البقاء بمقدار ما قصده الزوج أو إلى آخر الشهر ليس قصدا لإقامة العشرة بل قصدا لعنوان آخر تصادف مع إقامة العشرة خارجا. و بعبارة أخرى: القصد و اليقين و نحوهما من الصفات النفسانية إنّما تتعلق بمفاهيم ثابتة في الذهن متعينة فيه البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، ص: 236 منحازة عن غيرها، غاية الأمر أنها قد تتحد بحسب الوجود الخارجي مع عناوين آخر، و لكن لا يصير هذا الاتحاد الخارجي سببا لتعلق القصد أو نحوه بتلك العناوين الأخر، فقصد البقاء إلى آخر الشهر مثلا قصد لعنوان مشخص في الذهن مباين لعنوان إقامة العشرة مفهوما و إن كان ربما يتحدان خارجا. فليس عنوان إقامة العشرة في هذا المثال متعلقا للقصد أصلا، و إذا لم يتحقق قصد إقامة العشرة في هذا المثال لم يتحقق في الأمثلة الأخر بطريق

أولى.» البدر الزاهر في صلاة الجمعة و المسافر، ص: 234 و 235.

[2] العروة الوثقى (المحشى)، ج3، ص: 484.

[3] «فإنه قاصد لواقع المقام عشرة أيام و إن لم يقصد عنوانه نعم إذا قصد الإقامة من يوم الواحد و العشرين إلى آخر الشهر و احتمال نقصانه بيوم و صادف أنه لم ينقص لم يكف ذلك في الحكم بالتمام و الفرق بين الصورتين لا يكاد يخفى. (الخوئي).»
العروة الوثقى (المحشى)، ج3، ص: 484.